

### "یادت نره"

گوش کن ای جان من تا این سخن یادت نره  
 قصه تاریخ این خاک کهن یادت نره  
 داستان راد مردان وطن یادت نره  
 درکنار بسترت گپ های من یادت نره  
 گرچه انسانی ولی ادم شدن یادت نره  
 قیمتی از هر طرف دیده درایی می کند  
 دالر وکلدار هم قدرت نمائی می کند  
 با غریبان زندگی هم بی وفائی می کند  
 هر کجا پا میگذاری زن گدائی می کند  
 کودک لب تشنه ان بیوه زن یادت نره  
 روز و شب دیدم که طفلان در فغان افتاده بود  
 از خیال نازک شان رنگ نان افتاده بود  
 گویا سنگ ستم از آسمان افتاده بود  
 طایر بی بال و پر از آشیان افتاده بود  
 داستان نا تمام فقر زن یادت نره  
 ای وطن تو زاد گاهی مردم داناستی  
 یکدمی بر خود نظر کن از همه بالا سستی  
 زادگاهی جامی و خوشحال و مولاناستی  
 از سنائی و عطار و بوعلی سیناستی  
 این زمان آوارگان بی وطن یادت نره  
 گاهگاهی یاد آن شبهای بامیان هم به خیر  
 یاد فصل مستی انگور پروان هم به خیر  
 میله نو روز دربار سخی جان هم به خیر  
 یاد یخمالک زدن های زمستان هم به خیر  
 جشن استقلال و شب های چمن یادت نره

